

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و ششم، بهار ۱۴۰۴: ۱۳۲-۱۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

تطبیق اشعار انتقادی «صائب» با نظریه «توماس اسپریگنز»

* محمد طالبی

** طاهره صادقی تحصیلی

*** محمد خسروی شکیب

**** سعید زهره‌وند

چکیده

«صائب»، یکی از برجسته‌ترین شاعران سبک هندی و سرآمد شاعران عصر صفوی و سبک هندی است. وی به عنوان یک اندیشمند و اصلاح‌گر اجتماعی، آسیب‌ها و ریشه‌های معضلات زمانه خویش را می‌بیند و از شعر به عنوان یک ابزار فرهنگی، برای بیان اندیشه‌های انتقادی خود بهره می‌برد. در این پژوهش که با روش توصیف و تحلیل کیفی انجام شده است، اشعار انتقادی و اصلاح‌گرایانه صائب، با کاربری نظریه «اسپریگنز» (مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حلیابی)، چرایی، چگونگی، راهکار و برون‌رفت از مشکلات اجتماعی زمان شاعر بررسی می‌شود. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که صائب، معضلات سیاسی و اجتماعی عصر خود را در فرار مغزها، خودخواهی، خرافه‌پرستی، ریاکاری و تظاهر، فقر و روحیه تسلیم می‌بیند. او همچنین علت را در وضعیت خاص حاکمیت و ایدئولوژی سیاسی و مذهبی، تحقیر و به حاشیه رانده شدن اهل هنر و آزاداندیشان، تقدس‌سازی و تقدیرگرایی، استبداد، تنگ‌مشربی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، ایران mohammadtalebi.35313531@gmail.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران sadeghi.tahsili@yahoo.com

*** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران M.Khosravishakib@gmail.com

**** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران zohrevand.s@lu.ac.ir



حاکمان، توسعه شهری و تبعات ناشی از آن می‌داند. صائب، جامعه آرمانی را در هند با شهروندان و حاکمانی وسیع‌مشرّب، آزاداندیش، دگراندیش و هنردوست می‌یابد. او در نهایت راه‌حل را در اخلاق‌گرایی، انتقادپذیری و مدارا، عشق و خردگرایی و پرهیز از تملق می‌داند.

واژه‌های کلیدی: صائب تبریزی، توماس اسپرینگز، انتقاد سیاسی اجتماعی، سبک هندی و شعر.



مقدمه

هر اثر هنری و ادبی منعکس کننده اوضاع زمان و الگوهای ادراک، رفتار، احساس و آموزه‌های ایدئولوژیک آفریننده آن است. ادبیات هر دوره نیز تحت تأثیر وضعیت فردی، سیاسی- اجتماعی، اقلیمی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه قرار دارد و گاه این تأثیر و تأثر به گونه‌ای است که باعث دگرگونی در ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی آن عصر می‌گردد.

سبک هندی، یکی از متمایزترین سبک‌های شعری کلاسیک فارسی است که از اوایل قرن یازدهم هجری تا اواسط قرن دوازدهم هجری به مدت ۱۵۰ سال در ادبیات فارسی رواج داشت. این سبک از حیث ویژگی‌های فکری و زبانی و همچنین نحوه بیان، با سبک‌های قبل و بعد خود، تمایز آشکار دارد. فتوحی، گسست از سنت قدیم شعر فارسی، تأکید بر نوجویی، توجه به مضامین نو و معنی بیگانه و تازگی شعر را از اصول بنیادین اندیشه این دوره می‌داند که شاعر را بر آن می‌دارد «به جای مطالعه در آثار سنتی، خلاقیت را در درون خود بجوید و هویت خود را در خویشتن خود پیدا کند و متکی به گذشتگان نباشد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۷۵).

بنابراین شاعر سبک هندی تلاش می‌کند مضمون‌های بدیع و بیگانه و مفاهیم غریب و دور از ذهن را به کار ببرد تا باعث شگفتی مخاطب شود. «آنچه شاعران در ذهن دارند، چگونه گفتن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۱۷). اسماعیلی و حسن‌پور آلاشتی، تمایز و قیاس‌ناپذیری سبک هندی با دیگر سبک‌ها را در قیاس‌ناپذیری مفاهیم به‌ویژه در غزل و تمثیل، قیاس‌ناپذیری روش‌شناختی و قیاس‌ناپذیری مشاهدات می‌دانند و معتقدند که سبک هندی را می‌باید نوعی گسست، انقلاب و یا به تعبیری «چرخشی انقلابی» در ادبیات فارسی محسوب کرد که با سبک‌های دیگر، قیاس‌ناپذیر است و دارای پارادایم و بوطیقای خاص خود است (اسماعیلی و حسن‌پور آلاشتی، ۱۳۹۳: ۲۶-۳۷). آنها مهم‌ترین ویژگی‌های سبک هندی را مضمون‌یابی، اسلوب معادله، وابسته‌های خاص عددی، اغراق، پارادوکس، کاربرد کلمات عامیانه و... برشمرده‌اند.

صائب تبریزی، از نامدارترین شاعران غزلسرای این سبک است. یوسفی معتقد است که اگر کسی در جست‌وجوی شعری متفاوت با شعر پیشینیان باشد، سخنی رنگارنگ‌تر از غزل‌های صائب نمی‌تواند بیابد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۲۸۹). یکی از مفاهیمی که کمتر در

اشعار صائب تبریزی به آن پرداخته شده است، بعد انتقادی و اصلاح‌گرایانه است. وی در این نوع گفتمان، در جایگاه یک اندیشمند اصلاح‌گر، با ابزار شعر، آشکارا و گاه پنهان‌نگاری با کاربرد استعاره، ابهام، تناقضات پیچیده و... اندیشه‌ها و دیدگاه‌های انتقادی، اجتماعی و سیاسی را با مردم به اشتراک گذاشته است و دورنما و راهکارهای دیدگاه خود را بیان کرده است. بدین ترتیب وظیفه روشنگری و اصلاح‌گری خویش را انجام داده است.

نظریه‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی عملاً در محل تلاقی و پیوند انسان و جامعه، شکل می‌گیرند و موضوعیت می‌یابند و فهم آن، قدمی است برای برقراری گفتمان اجتماعی (اسپرینگز، ۱۳۹۲: ۷۶). زمانی که از گفتمان صحبت می‌کنیم، منظور پرداختن مفصل و جزء به جزء یک موضوع در قالب نوشتار و گفتار، به جهت پدید آوردن معنا و مفهوم مورد نظر است (خزائیلی نجف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۰۰). مطابق این تعریف، در زبان و گفتار صائب، شاهد نمونه‌های جامعی از گفتمان انتقادی سیاسی و اجتماعی هستیم.

در این پژوهش با تکیه بر نظریه توماس اسپرینگز که معتقد است که هر اندیشمند و اصلاح‌گری در آغاز، بحران‌ها و آسیب‌ها را می‌بیند، سپس با ریشه‌یابی، علل آن ناهنجاری‌ها را درمی‌یابد و سرانجام با معرفی ویژگی‌های آرمان‌شهر خود، راهکار حل مشکل را ارائه می‌دهد، در پی پاسخ بدین پرسش‌ها هستیم: چه علل و عواملی باعث شده تا صائب به شکل گسترده‌ای به انتقاد از اوضاع اجتماعی، فرهنگی، دینی و... بپردازد؟ راهکار او برای برون‌رفت از وضعیت چیست؟ نویسندگان معتقدند که در چارچوب نظریه اسپرینگز که در کتاب «فهم نظریه‌های سیاسی» تبیین نموده است، می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد.

اهداف، ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجایی که «برخی از اندیشمندان ممکن است علل اصلی و انگیزه خود را در بررسی نظم سیاسی توضیح ندهند یا آنها را در قسمت‌های کوچکی از نوشته‌های نه‌چندان معروف خود پنهان کنند» (اسپرینگز، ۱۳۹۲: ۸۷)، ضرورت دارد که با نظریه و شیوه نوین و کارآمد به موشکافی آثار ادبی پرداخته شود. یکی از شیوه‌ها برای شناخت علمی و دقیق زوایای پنهان شعر و شخصیت شاعران و شرایط حاکم بر جامعه، بررسی

اشعار انتقادی آنان است که جهان‌بینی، مطالبات، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، خلق‌و‌خوی شاعر و وضعیت اجتماعی عصر شاعر را نشان می‌دهد. با توجه به این واقعیت که از ادوار شعر فارسی، نگاه انتقادی شاعران سبک هندی به‌ویژه صائب کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تبیین علمی، هدفمند و الگومدار زبان انتقادی، اصلاح‌گر و تغییر‌گرای صائب و شناخت بیشتر شعر وی، هدف اصلی این پژوهش است.

مبانی نظری و روش تحقیق

این پژوهش به شیوهٔ تحلیلی- توصیفی و از طریق به‌کارگیری «روش تحلیل محتوا که از جمله روش‌های سیستماتیک» (آسابرگر، ۱۳۸۳: ۱۵۶) است، انجام شده که «سیر داده‌ها با کمک نظریه‌های مرتبط موجود بسیار روشمند عمل می‌کند» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۸).

بر این اساس ضمن استخراج داده‌های مرتبط با موضوع مقاله از غزلیات صائب، برای طرح پرسش‌های اصلی تحقیق و فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نظریه اسپریگنز^۱ بهره برده‌ایم. از آنجایی که اساس این پژوهش، تحلیل اشعار انتقادی و اصلاح‌گرایانه صائب در چارچوب نظریهٔ توماس اسپریگنز است، به نظریه او به اختصار اشاره می‌شود.

توماس آرتور اسپریگنز، نظریه‌پرداز آمریکایی است که در سال ۱۹۱۷ در لبنان به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۶ در کارولینای جنوبی درگذشت. او استاد علوم سیاسی دانشگاه دوک بود. وی دارای کتاب‌ها و مقاله‌های مهمی است که بارها مورد نقد و بررسی قرار گرفته و حتی چارچوب نظریهٔ کتاب «فهم‌های سیاسی» وی، مبنای روش مقاله‌هایی در رشته‌های دیگر شده است. هدف او از انتشار این کتاب، ارائه چارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی برای فهم نظریهٔ سیاسی و قابل درک کردن آن برای جامعه مدنی است.

حرف اصلی اسپریگنز این است که همه اندیشه‌های استوار را می‌توان با کشف منطق درونی آنها دریافت و چارچوب منطق آنها را شناسایی کرد (تیلور و رجایی، ۱۳۹۳: ۶۰ به نقل از حیدری و نخعی زرنی، ۱۳۹۳: ۹۱۲). او معتقد است که در مطالعه علوم سیاسی می‌توان از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی نیز بهره برد و همچنین برای اندیشه‌ورزی سیاسی، چارچوبی روشن، کاربردی و صریح مشخص کرد. از اهداف بنیادی این نظریه،

مهیا کردن بستری جامع برای بررسی و تحلیل مسائل سیاسی اجتماعی «با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم‌پذیرتر شدن آن و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه‌های بی‌نظمی و غلبه بر آنهاست» (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹: ۱۳).

از نظر اسپریگنز، می‌توان هدف و غایت نظریه‌های سیاسی را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست (اسپریگنز، ۱۳۹۲: ۶۴). وی معتقد است که جوامع با مسائل اساسی مشابهی روبه‌رو هستند و کوشش آنها برای حل این مسائل از الگوی نسبتاً مشابهی تبعیت می‌کنند (گلشنی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). او از جمله نظریه‌پردازانی است که ضمن تأکید بر اهمیت بحران‌ها به‌مثابه بخشی از زمینه اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری اندیشه‌ها، در عین حال بر نقش اندیشه‌پردازان در صورت‌بندی اندیشه‌ها تأکید دارد (اکوانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۶۱) این نظریه در چهار مرحله، متن را بررسی می‌کند: ۱- مشکل‌شناسی و دیدن مشکل و مشاهده مشکلات جامعه ۲- علل‌شناسی و یافتن علت‌های آورنده مشکلات ۳- آرمان‌شناسی یا ترسیم و بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی یا آرمان‌شهر ۴- راه‌حل‌شناسی یا ارائه راه‌حل‌جانشین‌سازی نظم و آرامش به جای بی‌نظمی و هرج‌ومرج، برای رسیدن به شرایط و جامعه مطلوب (اسپریگنز، ۱۳۹۲: ۴۱).

الگوی ارائه‌شده اسپریگنز صرفاً برای مطالعات علوم سیاسی توصیه شده و به شکلی گسترده و البته کاربردی مورد اقبال دانشگاهیان و محققان این رشته قرار گرفته است. از این‌رو در تبیین آثار ادبی بر اساس این نظریه به‌ندرت کاری صورت گرفته است. نویسندگان مقاله امیدوارند که در پژوهش حاضر با بهره‌مندی از نظریه اسپریگنز، نخستین گام را هرچند کوچک بردارند.

پیشینه پژوهش

در زمینه نظریه توماس اسپریگنز در بررسی آثار ادبی تاکنون رساله، پایان‌نامه یا مقاله‌ای نوشته نشده، اما مقاله‌ها و رساله‌ها و کتاب‌هایی هستند که به طور غیر مستقیم یا جزئی، انتقاد صرف را در اشعار صائب بررسی کرده‌اند که می‌توان در پیشبرد اهداف تحقیق از آنها بهره جست.

چمن (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «بررسی انتقاد اجتماعی در اشعار صائب تبریزی»، طنزهای تمثیلی را در دو بخش طنزهای اجتماعی و طنزهای دینی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که همه نشأت گرفته از مفاسد اجتماعی عصر اوست. هاشمیان و رشیدی (۱۳۸۹) در مقاله «صائب و انتقادهای اجتماعی» از موضوعات اجتماعی به موضوع سیاست و اداره جامعه بسنده کرده و مباحث مربوط به کشورداری را مورد نقد اجتماعی قرار داده‌اند.

شیری (۱۳۸۸) در مقاله «سبک هندی، مظهر مقاومت منفی» کوشیده است تا اثبات کند که سنت‌گرایی در ساختار و محتوای شعر سبک هندی (مانند پیچیده‌گویی، کلی‌گویی، پراکنده‌گویی و سست بودن پیوند عمودی ابیات)، نوعی گفتمان انتقادی و مقاومت منفی شاعران در برابر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی فرهنگی زمان صفویه بوده است.

پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم:

- ۱- آیا تفکرات سیاسی- اجتماعی اسپریگنز، ظرفیت ابزاری و نظری شایسته‌ای برای فهم تعهدگرایی و گفتمان‌های موجود در شعر صائب تبریزی دارد؟
- ۲- صائب مشکلات مورد انتقاد عصر خود را در چه چیزهایی می‌داند؟
- ۳- چه عواملی در شکل گفتمان انتقادی صائب تبریزی و علل شکل‌گیری مشکلات زمان تأثیرگذار است؟
- ۴- جامعه آرمانی صائب در کجاست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ راه‌حل یا راهکارهای صائب برای نیل به جامعه آرمانی وی کدامند؟

پیش‌فرض مقاله این است که نظریه اسپریگنز با طرح مراحل متعددی که برای مشکل‌شناسی، علل‌شناسی و طرح اهداف ارائه می‌دهد، می‌تواند چارچوبی برای بررسی اشعار انتقادی صائب باشد. صائب، مشکلات جامعه را در فرار مغزها، بی‌عدالتی و ستم، روحیه تسلیم، جاه‌طلبی و ریاکاری می‌داند. او معتقد است که نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی به دلیل حاکمیت ایدئولوژی سیاسی- مذهبی و تنگ‌مشربی حاکمان و عالمان دینی است. جامعه آرمانی از دید او، در وسعت مشرب، انتقادپذیری و اخلاق‌گرایی است.

بحث و تحلیل داده‌ها

مرحله اول: چالش‌ها و مشکلات اجتماعی - سیاسی زمان صائب

حکومت صفویه که در سال ۹۰۷ ه.ق بنیان‌گذاری شد، یکی از برهه‌های پرتنش و از مهم‌ترین مقاطع تاریخی از نظر سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. یافتن، مطالعه و واکاوی وضعیت و مشکلات کشور در دوره صفویه نشان می‌دهد که تحولات در این دو حوزه به‌شدت تحت تأثیر رویکرد سلاطین صفوی بوده است. هرچند «مورخان، عصر صفوی را اغلب دوره شکوه و اقتدار ملی می‌نامند» (والتر، ۱۳۶۱: ۸۰) و در آن زمان شاهد یک حکومت مرکزی نیرومند هستیم، بررسی‌های متون شعر و هنر این زمان، نشان از وجود معضلات اجتماعی - سیاسی زیادی دارد.

تعصبات مذهبی حاکمان صفوی، اجازه آزادی عقیده و بیان اندیشه‌های غیر شیعی را نمی‌داد. از این‌رو در داخل کشور هم پیروان دیگر ادیان و گرایش‌های مذهبی، احساس امنیت نمی‌کردند. به همین علت، بسیاری از شاعران، ارباب عقاید و افکار متفاوت مذهبی، از ترس به دیار گورکانیان هند روی آوردند؛ زیرا پادشاهان گورکانی به هنر و شعر و شاعری، توجه ویژه نشان می‌دادند و بستر آزاداندیشی و سهل‌گیری مهیا بود. در چنین فضایی، انتقاد از بی‌مهری و بی‌توجهی شاهان و دولتمردان صفوی به شعر و شاعری که در قرن ششم آغاز شده بود، اوج می‌گیرد:

در زمان ما که بی‌مهری قیامت می‌کند دامن مادر به طفلان محشر کبری بود
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۶۱۷)

در شناسایی مشکلات و بحران‌های یک جامعه همیشه نمی‌توان به یک اتفاق‌نظر رسید. اما آنچه با واکاوی اشعار صائب و در چاقوب نظریه اسپرینگز می‌توان معین کرد، نخستین پرسش این است که از نظر صائب، آسیب‌ها یا مشکلات چیست و چه کس یا چیزی دارای فساد و مشکل است؟ صائب بارها بدین آسیب‌ها اشاره می‌کند:

۱- کینه‌توزی، جنگ

شاعران سبک هندی به‌ویژه صائب تبریزی با به‌کارگیری مکرر واژه‌هایی چون قربانی، زخم و نمک، مرهم، شیون، خراش و ناله و همچنین تخلص‌هایی مانند آشوب، شیونی و وحشتی که مؤید ذهنیت غمگانه شاعران این عصر است (آسمند جونتقانی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۸)، اوضاع آشفته آن روزگار را به تصویر می‌کشند و از جنگ، آشوب، کینه‌ورزی، تعصب

و ستمگری سخن می‌گویند. بنابراین اگر سایه یأس و ناامیدی بر اینگونه از شعرهای صائب حکفرماست، از واقعیت‌های موجود روزگار او سرچشمه می‌گیرد:

عافیت در روزگار و روشنی در سور نیست کس نمی‌داند که روز و روزگاران را چه شد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۴۲۵)

در چنین فضایی به کسب فیض و روشنایی امیدی نیست:

در این زمانه راه فیض مسدود است که از شکاف دل، امید روشنایی نیست
(همان: ۱۸۲۱)

در بیت زیر، شاعر با معادله ظالمان با آسمان می‌گوید: همچنان که آسمان از کرده خویش پشیمان نیست، ستمگران نیز ستم خود را جلوه‌ی عدل دانند:

جلوه عدل است در چشم ستمگر، ظلم را آسمان از کرده‌های خود پشیمان کی شود
(همان: ۲۶۸۱)

در بیت زیر با تصویرپردازی و حسن تعلیلی زیبا، به حاکمان هشدار می‌دهد که آه مظلومان حتی در آهن تأثیر می‌کند. بنابراین روزی دامن آنها را نیز فرا خواهد گرفت:

نالۀ مظلوم در آهن سرایت می‌کند زین سبب در خانۀ زنجیر، دائم شیون است
(همان: ۱۰۵۸)

دوران صفوی از حیث جریان‌های اجتماعی، عهد نامساعدی را پشت سر گذاشته است (صفا، ۱۳۷۲: ۶۰). در آینه اشعار صائب، جهان و مظاهر آن و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی عصر او به گونه‌ای که دیده و شنیده، بازتاب یافته است. بنابراین آنگاه که تعارض و چالش‌های جامعه را می‌بیند و از بابت آن خاطرش مکدر می‌شود، چنین می‌گوید:

سخن از صلح مگو عالم جنگ است صحبت شیر و شکر شیشه و سنگ است
(همان: ۴۷۹)

۲- ریا و تزویر

صائب در جای‌جای اشعار خود، نبود یکرنگی و صفا و فراگیری ریا و نفاق را به تصویر می‌کشد:

گرد نفاق روی زمین را گرفته است در هیچ دل صفای محبت نمانده است
(همان: ۱۹۸۰)

او با اسلوب معادله، دشمن را به خارِ پا و دوستان ریاکار را به زخم سوزن تشبیه

می‌کند و البته تحمل دشمن آشکار با دوست پرنیرنگ، آسان‌تر است:
به دشمن می‌گریزم از نفاق دوستان که خار پا گوارا کرد بر من زخم سوزن را
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۱۹)
در جامعه‌ای که دورویی و تزویر حتی دامن زاهدان را نیز فرامی‌گیرد، باید عمق این
آسیب اجتماعی را دریافت. پورنامداریان می‌گوید: «تضاد اخلاقی و رفتاری و
روان‌شناختی فردی و اجتماعی میان دو گروه دین‌داران ریاکار و خوشنام و اهل سلامت
و بی‌ریا عملاً در مکان‌هایی که این دو گروه رفت‌وآمد داشتند، منعکس می‌گردد»
(پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۳۳۱).

زاهدان را ترک دنیا نیست از آزادگی سکه از بهر روایی پشت بر زر می‌کند
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۵۵۰)
فکر صید خلق دارد زاهدان را گوشه‌گیر خاکساری پرده تزویر باشد دام را
(همان: ۱۱۴)

۳- حرص و جاه‌طلبی

وجود ابیات فراوان در انتقاد از حرص و جاه‌طلبی در غزلیات صائب، نشان از اوضاع
نابسامان اجتماعی و بیماری اقتصاد عصر صفوی دارد. «افراد ممکن است با دنبال کردن
خواسته‌های فردی و بی‌اعتنایی به پیامدهای نهایی اعمالشان، جنگ‌های داخلی و
آشوب‌ها و آشفتگی‌های [اجتماعی و] سیاسی ویران‌کننده‌ای را موجب شوند» (اسپریگنز،
۱۳۹۲: ۲۵). از این‌رو صائب معتقد است که باید به دور از سوداندیشی فردی، از حرص و
جاه‌طلبی دوری کرد و خرسندی و قناعت پیشه ساخت:
حریص از بی‌قراری نقد خود را نسیه می‌سازد دل خرسند را هر نسیه‌ای موجود می‌باشد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۱۰۹)
در بیت زیر، صائب با شیوه‌ای هنجارشکنانه، خورشید را که نماد بخشنده‌گی و
روشنی‌بخشی است، انسانی حریص و بی‌قرار برای کسب مال معرفی می‌کند و می‌گوید
که دنیادوستان همواره بی‌تاب و بی‌قرار مال‌اندوزی هستند:
نعل حرصش از تردد روز و شب در آتش است هر که چون خورشید صائب دل به دنیا بسته است
(همان: ۱۱۰۶)

۴- حسادت و سخن‌چینی و تخریب دیگران

صائب در بیت‌های متعددی، حسادت را نکوهش می‌کند و آن را صفتی ناپسند و غیر

اخلاقی می‌داند؛ زیرا حسود، تاب دیدن نعمت، سعادت و هنر دیگران را ندارد. بنابراین از دید او، حسود هم رنج می‌کشد و هم رنج می‌رساند. بدین سبب در بیت‌های زیر می‌گوید: از بیم حسود هنر خود را آشکار نمی‌کنم و در بیت پایانی، غم و اندوه حسود را از مشاهده نعمت دیگری بازگو می‌نماید:

سخن تازه من در قلم از بیم حسود در گلو، گریه پنهان شده را می‌ماند
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۵۰۵۹)

در بیت زیر می‌گوید: اگر گردون اندکی با من مدارا کند، حسود از رشک، سخت خونین دل می‌شود:

به ناخنی که رساند به داغ ما گردون هزار دجله خون از دل حسود آید
(همان: ۳۹۹۴)

۵- بدبینی، یأس و بی‌اعتمادی

اندوه غالب او همان تلخ‌کامی، بدبینی و شکایت از زندگی است. وی برای القای این رویکرد و مضمون‌سازی شاعرانه از شگردهای ویژه خود مانند ابزار تلمیح و کنایه بهره می‌برد: حرفی است اینکه خضر به آب زندگی رسید / زین چرخ دل‌سیه دم آبی ندید کس
(همان: ۴۸۵۱)

اعتمادی نیست بر گردون و صلح و جنگ او / تیغ در دستی و در دستی سپر باید گرفت
(همان: ۱۳۸۵)

شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، استبداد و سخت‌گیری‌های آن زمان سبب شده بود و بدین صورت هم به انتقاد از نابسامانی‌ها و ستم حاکمان و کارگزاران و اهل زمانه می‌پرداخت و هم از بازخواست و مجازات احتمالی، خود را نجات می‌داد:

وفا و مردمی از روزگار دارم چشم / ببین ز ساده‌دلی‌ها چه از که می‌جویم
(همان: ۱۲۷۸)

در بیت زیر، با بیانی استعاری، حاکمان و کارگزاران ظلم‌پیشه و برکنشده نالایقان را نکوهش می‌کند:

چرخ می‌گردد به کام مردم دون این زمان / گر به نوبت بود در ایام پیشین آسیا
(همان: ۳۰۸)

۶- فرار مغزها و ضعف بازار علم و شعر

گفتمان ادبی در هر دوره‌ای اغلب متأثر از گفتمان سیاسی همان زمان است. گفتمان

ادبی غالب، پیش از ظهور صفویان، موافقت با شعر و فضیلت دانستن شاعری بود. اما صفویان بر اساس بیانیه‌ای واضح که شاه تهماسب صفوی مطرح کرده بود، نقطه مرکزی گفتمان ادبی صفویان را شعر شیعی دانستند. بیانیه تهماسب که اسکندریگ منشی آن را در عالم آرای عباسی ثبت کرده است، زمانی مطرح شد که محتشم کاشانی، قصیده‌ای در مدح او عرضه کرد:

«من راضی نیستم که شعرا زبان به مدح و ثنای من آلائند. قصاید در مدح

شاه ولایت‌پناه و ائمه معصومین علیهم‌السلام بگویند» (اسکندریک، ۱۳۸۷،

ج ۱: ۱۷۸).

درباره جایگاه علم و علما می‌توان گفت که «به واسطه توجه علما و دولت به علوم دینی و اهتمام همه رجال مملکت که پیشوایان جامعه و توده مردمان بودند... به قول علمای آن دوره، اهمیتی به کمالات نداده‌اند» (بهار، ۱۳۷۶، ج ۳: ۳۳۳) و مشوقان شعر و ادب نایاب بودند:

نواشناس درین روزگار نایاب است و گرنه خامه صائب، هزارستان است
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۷۲۰)

به علت زمینه‌های خاص اجتماعی سیاسی و حاکمیتی، «شاعران عصر صفوی نمی‌توانستند حامل رسالت و مسئولیتی باشند که شایسته یک شاعر واقعی است» (طغیانی، ۱۳۸۵: ۷۸). از این رو صائب و بسیاری از اندیشمندان برای ایفای رسالت خود و حفظ زبان و ادبیات فارسی و رهایی از شیوع خرافات و سبک‌مغزی‌های تحمل‌ناپذیر، مهاجر هند شدند (صفا، ۱۳۷۲: ۶۲).

دل رمیده ما شکوه از وطن دارد عقیق ما دل پرخونی از یمن دارد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۷۳۴)

وطن زندان شود بر هر که گردد در هنر کامل که خون چون مشک شد آواره از ناف ختن گردد
(همان: ۲۸۲۷)

ناراضیتی از محیط تعصب‌آلود اصفهان که سبب شده در سرتاسر دیوان صائب نوعی ملال و دلزدگی نسبت به محیط اصفهان دیده شود، می‌تواند از عوامل مسافرت و مهاجرت صائب به دیار هند باشد (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

به گونه‌ای که چشم امید و روشنایی دیدگانشان، نه از وطن، که از سرمه شام غریبان است:

نیست از صبح وطن جز تیرگی قسمت ما چشم ما از سرمه شام غریبان روشن است
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۶۰۶)
اندیشه زلف تو چو عزم سفر هند در هیچ دل سوخته‌ای نیست نباشد
(همان: ۳۲۵۰)

صائب هم برای یافتن و رسیدن به آرمان شهر، عازم دیار هند می‌شود. وی اذعان دارد که هدفش از این سفر، طمع و ثروت‌اندوزی نبوده است:

نیست از صبح وطن جز تیرگی قسمت ما چشم ما از سرمه شام غریبان روشن است
(همان: ۳۶۰۶)
بر سر بخت سیه، خاک سیه زبینه ما به هندوستان، نه بهر مال دنیا
(همان: ۵۴۷۸)
چشم طمع ندوخته حرصم به مال هند پایم به گل شده از برشگال هند
(همان: ۲۳۲)

۷- تنهایی و مردم‌گریزی

در دیوان صائب، بیت‌های فراوانی یافت می‌شود که از وحشت، تنهایی، دل‌زدگی و مردم‌گریزی سخن می‌گوید. به نظر زرین‌کوب، «سیر در آفاق و انفس او را بدبینی، احتیاط و دیرباوری آموخته است. آنچه در این باب می‌گوید، شاید ترسناک و یأس‌انگیز باشد، اما حاصل تجربه شخصی است» (زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۳۰۷). دیگر اینکه در زمانه صائب، «ریب و ریا، جای حقیقت را گرفته بوده است» (کریمی، ۱۳۵۴: ۲۲۶). در بیت زیر، آنچنان که یوسفی می‌گوید، دارالامان گوشه تنهایی، نمودار درون‌گرایی و انزوای رمانتیک صائب است؛ ترکیبی است خاص در بیان احوال کسی گریزنده از مردم که در سایه عزلت به امن رسیده است (یوسفی، ۱۳۹۲: ۳۰۰):

وحشی دارالامان گوشه تنهاییم دشت دشت از سایه مردم گریزانیم ما
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۸۱)

در بیت‌های زیر نیز می‌گوید: اگر تنهایی، دمار از روزگارم برآورد، حاضر نیستم به جمع آشنایان پیوندم:

گو برآرد وحشت تنهایی از جانم دمار من حریف راه و رسم آشنایی نیستم
(همان: ۵۳۳۵۹)

تا ز وحشت گوشه‌گیر از خلق چون عنقا شدم در میان مردمان بودم به گمراهی علم
(همان: ۵۳۶۳)

مرحله دوم: ریشه‌یابی و علل مشکلات

یافتن و دیدن مشکلات، اندیشه و ذهن یک منتقد را به سوی مرحله دوم که جست‌وجوی علل نابسامانی و آسیب‌هاست، می‌کشاند و آنها را شناسایی می‌کند. البته «صرف تشخیص علل مشکل و بحران‌ها، کافی نیست و باید ریشه‌های بنیادی آن را کشف کرد» (اسپرینگز، ۱۳۹۲: ۷۹). تعیین دقیق ریشه‌های بنیادی مشکل‌آفرین زمان صائب، کار ساده‌ای نیست و به طور قطعی نمی‌توان آنها را نام برد. با وجود این صائب تبریزی با مهارت و هنر ویژه شاعری و با توجه به اوضاع ویژه زمان توانسته است به آسیب‌شناسی اجتماعی، سیاسی و ناهنجاری‌ها بپردازد و عوامل مشکل‌آفرین زمان خود را معرفی کند. در اینجا پاره‌ای از عواملی را که سبب مشکلات سیاسی-اجتماعی عصر صائب شده‌اند، با شواهدی از اشعار صائب بیان می‌کنیم.

۱- علل اجتماعی توسعه زندگی شهرنشینی و ازدحام

پدیده شهرنشینی و تبعات آن از مواردی است که صائب به کرات از آن انتقاد می‌کند، گویی سواد شهر و سروصدای آن، با آرمانشهر شاعر در تضاد است. از تبعات قهری زندگی شهرنشینی، که در اشعار صائب نیز نمود یافته است بروز فاصله طبقاتی، حرص و حسد، پرداختن به تجمل‌گرایی، توجه به معیارهای ظاهری و دنیوی و ازدحام و سروصداست. شاعر بارها دامن صحرا را بر زندگی شهری ترجیح داده است:

در چند بیت زیر شاعر دلزدگی خود را از شهر و شهرنشینی ابراز می‌کند:

از سواد شهر خاکستر نشین شد اخگر
کو جنون تا دامن صحرا به فریادم رسد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۴۰۸)

سرمه خاموشی من از سواد شهرهاست
چون جرس گلبانگ عشرت در سفر باشد مرا
(همان: ۱۳۸)

۲- علل سیاسی-مذهبی

استبداد سیاسی و ایدئولوژی، روحیه تسلیم و تقدیرگرایی و باورهای عامیانه مبنی بر مقدس بودن شاهان صفوی از مشکلات ساختاری دوره صفویه بود. وضعیت ویژه سیاسی-اجتماعی، آموزه‌های فقهی و کلامی و تأکید و توجه بیش از حد بر برگزاری آیین‌های شیعی، سبب کینه‌ورزی، گسست و فاصله سیاسی-اجتماعی بین شیعه و غیر شیعه شده بود. شدت گرفتن تنش‌های مذهبی و کلامی تاحدی بود که مثلاً «عامه

شیعیان می‌پنداشتند که ریختن خون، تصاحب مال و ثروت و زن و فرزند سنیان، حلال است و عامه سنیان نیز گمان می‌کردند که ریختن خون و تصرف در جان و مال و عرض شیعه واجب می‌باشد» (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

از این‌رو شاعر از این وضعیت جامعه دلگیر است و زبان به شکوه می‌گشاید:
باده لعلی نهان در سنگ اگر گردد رواست در چنین عهدی که آدم خون آدم می‌خورد
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۳۹۶)
با نگاهی به سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی، مذهبی و ادبی زمان صفویه، ردپای تقدیرگرایی و روحیه رضا و تسلیم در برابر سرنوشت محتوم قابل توجه و پیگیری است (رازنهان و شیردل، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۳۶):

سر ما و خط تسلیم به هم پیوسته است هدف ما نشود از قدم تیر جدا
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۸۳)
بر خط تسلیم سر نه کاین ره تاریک را نقش پای گرم‌رفتاران چراغان کرده است
(همان: ۱۱۳۸)
صائب مکش سر از تسلیم زینهار کان کس که پا کشید از این‌راه سر گذاشت
(همان: ۲۰۷۹)

اغلب سفرنامه‌نویسان عصر صفویه از جمله شاردن، تقدیرگرایی ایرانیان را نوعی جهان‌بینی فلسفی برای کنار آمدن با مصائب و مشکلات زندگی فهم کرده‌اند. در واقع با بررسی سفرنامه‌های این دوره، اینگونه برداشت می‌شود که غالب سفرنامه‌نویسان از تقدیرگرایی و نگرش قضا و قدری ایرانیان به عنوان یک خصیصه و ویژگی منفی و بازدارنده یاد کرده‌اند که عموماً مانع تحول اساسی و پیشرفت در زندگی ایرانیان شده است (رازنهان و شیردل، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

به هر روی تقدیرگرایی معمولاً جوامع انسانی را با تعارض و دوگانگی روبه‌رو می‌کند و قدرت جامعه را در رویارویی با آسیب‌ها و چالش‌های سیاسی و اجتماعی مخدوش می‌سازد و باعث می‌شود اختیار و اراده فرد از او سلب شود «و منجر به نوعی ترس و تسلیم‌پذیری و تن دادن به حاکمیت استبداد و خودکامگی و پناه بردن به تقدیر و شرایط ازل و ابدی می‌گردد» (فوران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). در دیوان صائب، بیت‌های فراوانی یافت می‌شود که این رویکرد و طرز تفکر به باد انتقاد گرفته شده است:

مزرع امید را در عهد این بی‌حاصلان جز تری‌های فلک امید باران نیست نیست
پا به دامن کش که در درگاه این بی‌حاصلان مد احسانی به غیر از چوب دربان نیست نیست
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۲۵۴)

مرحله سوم: ویژگی‌های جامعهٔ آرمانی یا آرمان‌شهر

از آنجایی که «اساس جامعهٔ سیاسی [اجتماعی مطلوب]، جانشین شدن یک نظم انسانی به جای هرجومرج است» (اسپریگنز، ۱۳۹۲: ۲۰)، نظریه‌پرداز، پس از تشخیص و ریشه‌یابی علل مشکلات، بر آن است که [جایگزین‌ها و] پیشنهادهای مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل ارائه دهد (همان: ۸۰) و ویژگی‌های جامعه آرمانی و بهنجار خود را معرفی کند.

ویژگی منتقد بودن صائب، نتیجهٔ اخلاق‌گرایی، آزاداندیشی، دگراندیشی و شناخت جامعه و اهل زمانه است. وی به عنوان یک اندیشمند اصلاح‌گر، در پاسخ به اوضاع نامناسب و چالش‌های روزگار خویش با خلاقیت و خلق مضامین باریک و غریب، ویژگی‌های آرمان‌شهر خود را ترسیم کرده است و با عنایت به آگاهی از تأثیر کلام و جادوی شعرش، ضرورت تغییر در ارزش‌گذاری‌ها را به مخاطبان خویش نشان داده است: از زبان آتشینم گرچه محفل روشن است نیست چون شمع از تهیدستی دو پیراهن مرا
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۶۸)

از واژگان کلیدی جامعه آرمانی دیوان صائب، در این مرحلهٔ بازسازی او که به تعبیر اسپریگنز، «اساساً جمع‌وجور است» (اسپریگنز، ۱۳۹۲: ۱۳۷)، مشرب یا وسعت مشرب است که اندیشه‌ای فراملیتی و جهانی است و آرمان‌شهر وی را معرفی می‌کند. ماهیت مشرب، محدود به یک جنبه یا بعد از شهروندان آرمانی وی نیست، بلکه آزادمنشی، هم‌زیستی و مسامحه در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است: اخلاق، اندیشه، گفتار و کردار نیک داشتن است. جامعه وسیع مشرب و آرمانی صائب، در آن زمان، سرزمین هند بود که در آن کثرت‌گرایی دینی، برابری، بی‌تعلقی و یکرنگی و نیز فرهنگ عدم تشّتت رواج داشت و شهروندان آن در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی در امنیت و آسایش بودند:

سرسبز باد هند که از آرمیدگی در زیر پای فیل بود مور در سماع
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۵۱۳۸)

یکی از علل مهمی که سرایندگان زمان صفویه به مقوله مشرب در جامعه ادبی آن

روزگار توجه کردند، وجود تعصبات خشک و شرایط دینی و سیاسی حکومت صفویان، تساهل و تسامح دینی و مذهبی دربار گورکانیان هند و استقبال آنها از شاعران مهاجر بود که باعث شد این کلیدواژه به طور مکرر در آثار شاعران ایران و هند به کار رود و در معانی و مفاهیم تازه و کم‌نظیر به کار برده شود.

در واقع یکی از ویژگی‌های جامعه آرمانی صائب این است که مذهب و مشرب، نه در تقابل با هم، که در کنار هم هستند و صائب، هنر درآمیختن این دو را به‌خوبی می‌داند و آن را حق خود می‌داند:

مذهب و مشرب به هم آمیختن حق من است می‌فشانم گرد راه کعبه را در پای خم
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۵۳۵۶)

البته حساب زهاد و دین‌داران ریایی و خشک را که با وسعت مشرب مخالفند، از اهل ایمان جدا می‌کند؛ زیرا همان‌گونه که نظربازی و زهد با هم جمع نمی‌شود، وسعت مشرب و زهد، یکجا جمع نمی‌گردد:

نشود جمع نظربازی خوبان با زهد این گلی نیست که در دامن سجاده کنی
(همان: ۶۸۳۳)

از این‌رو معتقد است که:

هر که با وسعت مشرب طرف زهد گرفت با کف خاک شد از دامن صحرا قانع
(همان: ۵۱۳۲)

صائب با یادآوری اخلاق‌مداری و دگراندیشی، خود را الگوی شهروند آرمانی و وسیع‌مشرب معرفی می‌کند:

هزار خانه چو زنبور کردمی پر شهید اگر گزیدن مردم شعار داشت می
(همان: ۶۸۷۳)

از آنجایی که وسعت مشرب و «درون‌نگری و پرداختن به مسائل هستی‌شناسی مسلترم محیطی آرام و مستعد است» (فتوحی و رضوی، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۵)، در سرزمین هند، چنین بستری بیشتر مهیا بوده است. شاید به همین علت، صائب با ترک وطن مولودی به هند می‌رود:

سرو مشرب در زمین هند بالا می‌کشد آب می‌آید به این گلزار و بالا می‌رود
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۷۴)

آن را که نیست وسعت مشرب در این سرا در زندگی به تنگی قبر است مبتلا
(همان: ۶۷۵)

مرحله چهارم: ارائه راه‌حل و راهکار برون‌رفت از مشکلات

نظریه‌پرداز در مرحله پایانی بر آن است تا با ارائه راه‌حل و طرحی نو، شهروندان آرمانی خود را از وضع موجود به فضای مطلوب سوق دهد. بر این اساس ایده‌ها و اندیشه‌های همه‌سونگر وی، «نتایج تجویزی مهمی را در بردارند که شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق هستند» (اسپرینگز، ۱۳۹۲: ۱۸۹). صائب در دیوان خود، مردم را همواره به رعایت اخلاق و عفاف و پرهیزگاری و آزادگی و وارستگی و قناعت و اعتدال و قطع تعلق از آب و گل و توجه به خدا و ذات آن‌جهانی دعوت می‌نماید (مؤمن، ۱۳۶۴: ۶۰) و راه‌حل‌های برون‌رفت از مشکلات و رسیدن به جامعه آرمانی و مطلوب را به تصویر می‌کشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- قناعت

در اصطلاح «حالت و صفتی نفسانی است که آدمی را بر گرد آوردن آنچه بدان نیاز ندارد برمی‌انگیزد، بی‌آنکه به حد و مقداری معین اکتفا کند و آن، نیرومندترین شاخه دوستی دنیا و مشهورترین انواع آن است» (نراقی، ۱۳۷۷: ۱۳۷). اغلب حرص را در برابر قناعت قرار می‌دهند (ر.ک: غزالی، ۱۳۶۸). بنابراین راه نجات از این رذیلت، قناعت است. امام علی می‌فرماید: «قناعت یافت نمی‌شود، مگر اینکه حرص ناپود شود» (نراقی، ۱۳۷۷: ۳۹۷). از این‌رو صائب ضمن بیان ویژگی‌ها، علل و تبعات طمع‌ورزی، مخاطب را به قناعت دعوت می‌کند و آن را منزل و سبب آرامش و جایگاه رفیع معرفی می‌کند:

آسودگی به کنج قناعت نشستن است سیر بهشت در گرو چشم بستن است
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۹۲۴)

از این‌رو برای رسیدن به کمال جاودانی و توانگر شدن، با تصویرپردازی و مضمون‌سازی، مخاطب را به بی‌تعلقی و قناعت دعوت می‌کند:

بی‌تعلق گذر از عالم و جاویدان باش هر که چون مهر بدر رفت مسیحایی یافت
(همان، ۱۶۳۴)

۲- مدارا کردن و سازش با تفکرات و آیین‌های مختلف

از دیگر راهکارهای صائب برای رسیدن به جامعه آرمانی، یکرنگی و آب‌گونگی و مدارا کردن و سازش با همگان است:

دل خوش مشرب من صلح کرده است با عالم که آب صاف با هر شیشه‌ای یکرنگ می‌گردد
(همان، ۲۸۶۰)

آب، آیینه و دریا از استعاره‌های صائب برای بیان مفهوم صاف و زلال بودن یکرنگی و سازش با همگان است. در بیت‌های زیر، دریا و آب، استعاره از یکرنگی، وسعت اندیشه و مشرب است (فتوحی و رضوی، ۱۳۹۷: ۲۶) و جویبار، تنگ‌مشربی محدود بودن‌ها و شمع، نماد انسان‌های کامل، شهروند آرمانی و وسیع‌مشرب را بیان می‌کند. صائب با تصویرسازی‌های هنرمندانه‌اش و نسبت دادن افعال و صفات انسانی به شمع (پهلوی بر زمین نهادم)، می‌خواهد بگوید تا زمانی که جویبار، محدودیت‌های مردم تنگ‌مشرب جامعه را به دریای یکرنگی و همدلی نرساند، مانند شمع که برای روشنی‌بخشی و وصال، اشک‌ریزان، ذره‌ذره ذوب می‌شود، تا پهلوی بر زمین بنهد و خاموش شود، از پای نخواهد نشست (اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۲).

تا نپیوندم به دریا جویبار خویش را نیست ممکن بر زمین پهلوی گنارم همچو شمع
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۵۱۲۸)
مرا از صافی مشرب ز خود دانند هر قومی که هر ظرفی به رنگ خود برآرد آب روشن را
(همان: ۱۹۹)

برای رسیدن به یکرنگی، بی‌آزاری و مدارا با همگان، حاضر است همچون سمندر در دل آتش زیست کند؛ چه این آتش در دل سرما، مایه آرامش و گرمابخشی است:
ما سمندر مشربان را بستر خواب آتش است کار آتش می‌کند در سوختن سرمای سخت
(همان: ۱۰۰۹)
زمانی که صائب می‌خواهد بی‌آزاری پیشه کند، چون سر سازش و مدارا با همه کیش و کس را دارد، صاعقه تندخو نیز روی خوش به وی نشان می‌دهد:
ز بیش خرمن ما برق از کم‌آزاری به آرمیدگی ماهتاب می‌گذرد
(همان: ۳۷۶۲)

۳- توصیه به دستگیری و عدالت و پرهیز از آزار و رنجش دیگران

در دیوان صائب، عدالت و مشتقات آن، بسامد بالایی دارد. گویی دغدغه بی‌عدالتی و بیداد و گستره آن در جامعه، ذهن و ضمیر شاعر را پیوسته به خود مشغول داشته است. بنابراین در هر فرصتی، داد و انصاف را فریاد می‌آورد و حاکمان را از ستم و جور بر حذر می‌دارد و یادآوری می‌کند که اگر دولتتان پابر جاست، چراغ دعایی روشن است:
دولت ز دستگیری مردم به‌پا بود فانوس این چراغ ز دست دعا بود
(همان: ۴۲۳۵)

مکن در مداحسان کوتهی تا منصبی داری که باشد باددستی لنگر آرام منصب را
(صائب تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۵۰)
برای مفهوم ناپایداری و زودگذر بودن منصب و حکومت، با تشبیه کلاه و تاج شاهان
به حباب روی آب، از استعاره «حباب» استفاده می‌کند:

بر کلاه خود حباب‌آسا چه می‌لرزی که شد تاج شاهی مهره بازیچه تقدیرها
(همان: ۲۹۲)
بدین‌سان راه آسودگی حاکمان و اهل زمانه در دو جهان را بی‌آزاری و گره‌گشایی از
کار خلق و عدالت می‌داند:

خس و خاری که ز بهر دگران برداری در دل خاک، تو را باغ و بهاری باشد
(همان: ۳۴۵۶)
عدالت عمر جاویدان دهد فرمان‌روایان را سیل خضر کن همچون سکندر آب حیوان را
(همان: ۶۷)

۴- انتقادپذیری، عیب خود دیدن و پرهیز از عیب‌جویی
انتقاد کردن و انتقادپذیری از مفاهیم متناقضی است که با مضمون آفرینی و نگرش
فکری صائب، ارتباطی ناگسستنی دارد. برای بیان این مضمون از استعاره‌ها و پدیده‌هایی
مانند طاووس و برگ کاه استفاده می‌کند:

از صحبت خسیس حذر کن که می‌شود یک برگ کاه، مانع پرواز دیده را
(همان: ۷۳۴)
عیب خود دیدن مرا از اهل هنر ممتاز کرد منفعت از پا زیاد از پر بود طاووس را
(همان: ۷۵)
نیست چون طاووس چشم ما به بال و پر ز پا عیب خود را در نظر بیش از هنر داریم ما
(همان: ۲۶۷)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

فرهنگ هر جامعه‌ای با هنجارها و ارزش‌های ویژه، موجب می‌شود تا رفتار و کنش
کاربران آن فرهنگ تنظیم و اصلاح شود. در دوران صفویه معمولاً شعر به‌ویژه اشعار
صائب به عنوان یک گفتمان فرهنگی شناخته می‌شد که می‌توانست در تغییر الگوها و
هنجارهای اجتماعی، نقش کاربردی داشته باشد. در این جستار ضمن تحلیل کیفی
اشعار صائب و تطبیق با الگوهای چهارگانه توماس اسپریگنز، به این نتایج دست یافتیم:

الف) در مرحله نخست که شامل مشاهده و توصیف آسیب‌هاست، صائب، مشکلات سیاسی- اجتماعی جامعه را در در فرار مغزها، انزوا، خودخواهی، حسادت و جاه‌طلبی، تجمل و خودآرایی، کینه، ظلم و ریاکاری، فقر و روحیه تسلیم و هراس روحی در بین مردم می‌داند. مشکلات و معضلاتی که علاوه بر ایجاد آسیب‌های سیاسی- اجتماعی و روانی در افراد عادی جامعه، اندیشمندان و ادیبان را به ترک وطن و یا انزوا سوق می‌داد.

ب) در مرحله دوم که ریشه‌یابی و شناسایی علل مشکلات است، نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی را در شرایط خاص حاکمیت و ایدئولوژی سیاسی، مذهبی، تحقیر و به حاشیه راندن آزاداندیشان و اهل هنر، تقدس‌سازی و تقدیرگرایی، استبداد و تنگ‌مشری حاکمان و اهل زمانه، توسعه شهری و تبعات ناشی از آن و... قلمداد می‌کند.

ج) در بخش سوم که ترسیم و بیان ویژگی‌های جامعه مطلوب هست، صائب به دنبال انسان و جامعه‌ای آرمانی است. وی با گسترش ایده وسعت مشرب و معرفی خودش به‌مثابه شهروند آرمانی و هند به عنوان آرمان‌شهر، الگویی نمادین و عینی برای اصلاح جامعه ارائه می‌دهد؛ سرزمینی که حاکمان و شهروندان وسیع‌مشرب آن در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی و... جامع خصیصه‌های والای انسانی هستند؛ مردمانی که فارغ از رنگ، نژاد و آیین، با امنیت، همدلی و صلح در کنار هم زندگی می‌کنند.

د) در مرحله پایانی با بیان راه‌حل، راه‌های برون‌رفت از مشکلات و آسیب‌ها را معرفی می‌کند که شامل توصیه به اخلاق‌گرایی، تواضع، عدالت، قناعت، انتقادپذیری و مدارا با هر کیش، فکر و قومی و پرهیز از تظاهر، انفعال، حرص، کینه و خشونت و عیب‌جویی و آزار است. این راهکارها در واقع باید و نیایدیابی تجویزی هستند که برای گذر از وضع نامطلوب و آنچه هست، به شرایط مطلوب یا آنچه باید باشد، ضروری است.

منابع

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۳) روش‌های تحلیل رسانه‌ها، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- آسمند جونقانی، علی و دیگران (۱۴۰۲) «گریزانی از ادبیات اعتراضی انتقادی و سیاست‌ورزی در سبک هندی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر، دوره شانزدهم، شماره پیاپی ۸۹، صص ۱۹-۳۵.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۹۲) فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، چاپ نهم، تهران، آگاه.
- اسکندربیک، ترکمان (۱۳۸۷) تاریخ عالم آرای عباسی، به اهتمام ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- اصفهانی بلندبالایی، یاسمین و دیگران (۱۳۹۴) «شمع در پرده خیال صائب تبریزی»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هشتم، شماره سوم، پاییز.
- اسماعیلی، مراد و حسین حسن‌پور آلاشتی (۱۳۹۳) «بررسی تمایز و قیاس‌ناپذیری سبک هندی با سبک‌های قبل از آن، از چشم‌انداز نظریه تامس کوهن»، شعر پژوهی (بوستان ادب)، سال ششم، شماره سوم، صص ۲۲-۴۴.
- اکوانی، حمدالله و دیگران (۱۴۰۱)، «مبانی فکری طالبان بر اساس روش جستاری اسپریگنز: از فروپاشی تا قدرت یابی مجدد»، دو فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰ شماره ۲ پاییز و زمستان، صص ۲۵۷-۲۸۲.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، شماره ۲، صص ۸ و ۱۱.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۶) سبک‌شناسی، تاریخ تطوّر نثر فارسی، چاپ نهم، تهران، مجید.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۴) گمشده لب دریا، چاپ دوم، تهران، سخن.
- چمن، منیژه (۱۳۹۵) «بررسی انتقاد اجتماعی در اشعار صائب تبریزی»، تهران، دانشگاه الزهرا.
- حقیقت، سید صادق و حامد حجازی (۱۳۸۹) «نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپریگنز در مطالعات سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۱-۴۹.
- حیدری، عباس و نصرالله نخعی زرنندی (۱۳۹۳) «واکاوی ایدئولوژی داعش بر اساس نظریه توماس اسپریگنز»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل‌وهشتم، شماره ۴، صص ۹۰۷-۹۲۶.
- خاکپور، محمد (۱۳۹۸) «نگرشی به مقوله لفظ و معنا»، نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، شماره ۲۴۰، صص ۹۱-۱۱۶.
- خزائیلی نجف‌آبادی، محمدباقر (۱۳۹۹) «علل عدم شکل‌گیری گفتمان علمی ایران با اروپا در دوره صفویه»، دوفصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۱۹۷-۲۲۱.

رازنهان، محمدحسن و تقی شیردل (۱۳۹۶) «بازتاب تقدیرگرایی و مؤلفه‌های آن در سفرنامه‌های دوره صفویه»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۴۴-۱۱۹.

رستم‌الحکما، محمدهاشم آصف (۱۳۸۲) رستم‌التواریخ، تحقیق و تصحیح جلیل نوذری، تهران، میراث مکتوب.

رفیعی، سید محمد (۱۳۸۲) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تقدیرگرایی (مطالعه موردی: شعر فردوس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، تحقیقی در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ، استاد راهنما منوچهر محسنی پارسا، دانشگاه تربیت مدرس.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۵) با کاروان حله، تهران، جاویدان.

----- (۱۳۸۶) نقد ادبی، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸) ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت الله اصیل، تهران نشرنی.

شمیسا، سیروس (۱۳۶۹) سیر غزل در شعر فارسی، تهران، فردوس.

صائب، میرزا علی (۱۳۸۷) دیوان اشعار، به کوشش محمد قهرمان، چاپ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲) تاریخ ادبیات ایران (از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری)، جلد پنجم، تهران، فردوس.

طغیانی، اسحاق (۱۳۸۵) تفکر شیعه در دوره صفویه، اصفهان، دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر.

غزالی، محمدبن محمد (۱۳۶۸) احیاء علوم‌الدین، تهران، حسین خدیو جم.

فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۵) «مضمون در فن شعر سبک هندی»، نقد ادبی، ۹(۳۴)، صص ۱۵۶-۱۱۹.

فتوحی رودمعجنی، محمود و فاطمه رضوی (۱۳۹۷) «وسعت مشرب: پاسخ فرهیختگان شاعر به سیاست‌های صفویه»، نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه شبه‌قاره، شماره ۹، صص ۴۸-۹.

فوران، جان (۱۳۸۸) مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، چاپ نهم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

کریمی، امیربانو (۱۳۵۴) دنیای صائب، مجموعه صائب و سبک هندی، به کوشش و تألیف محمد رسول دریಾಗشت، تهران، قطره.

گلشنی، علی (۱۳۸۷) «فهم فلسفی و تاریخی اندیشه سیاسی بر اساس تلفیقی از نظرات اسکینر، اکشاف و اسپریگنز»، دوفصلنامه علمی هستی و شناخت، شماره ۶۸، صص ۹۳-۱۰۸.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴) گوهرهای راز از دریای اندیشه صائب، تهران، بنگاه مطبوعاتی افشاری.

نراقی، احمد (۱۳۷۷) معراج السعادة، تهران، دهقان.
والتر، هینس (۱۳۶۱) تشکیل دولت ملی در ایران (ظهور دولت صفوی)، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، کمیسیون معارف.
هاشمیان، لیلا و فریبا رشیدی (۱۳۸۹) «صائب و انتقادهای اجتماعی او»، فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد سنندج، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۱۵-۱۳۶.
یوسفی، غلامحسین (۱۳۹۲) چشمه روشن، چاپ سیزدهم، تهران، علمی.

